

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی

بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی دام‌ظله

متن پیش‌رو بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در همایش
«سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» است که
در تاریخ اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ در تالار مؤسسه
آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ایراد شده است.



نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

خدا را شاکرم که توفیق عنایت فرمود در این محفل علمی در حضور فضلا و اساتید حضور پیدا کنم. قبل از هر چیز از برگزارکنندگان این همایش چه در مرحله طراحی، تهیه مقالات و ارائه سخنرانی و چه کسانی که ان شاءالله نتایج آن را تکمیل خواهند کرد، صمیمانه تشکر می‌کنم و دعا می‌کنم خداوند متعال بر توفیقات و اخلاص همه آن‌ها بیافزاید.

❖ تبیین مفاهیم

معمولا وقتی می‌خواهیم درباره موضوعی صحبت کنیم ابتدا واژه‌های عنوان بحث را تعریف می‌کنیم. موضوعی که قرار است بنده درباره آن صحبت کنم نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی است. ما در اینجا با سه واژه کلیدی حوزه علمیه، سیاست‌گذاری و فرهنگ روبه‌رو هستیم. این مفاهیم در ظاهر مفاهیم روشنی هستند، ولی دأب ما بر به تفسیر کشیدن همین مفاهیم واضح و ساده است.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

سیاست‌گذاری

چون اصل موضوع، مسأله سیاست‌گذاری است ابتدا به این مفهوم می‌پردازیم. رفتارهای اجتماعی گاهی رفتارهایی نسنجیده و اتفاقی و تابع عوامل اتفاقی است؛ می‌بینند چه پیش می‌آید و هر چه پیش آید خوش آید! و گاهی براساس ضوابط و طرح است؛ اگرچه کار عاقلانه این است که رفتارها بر اساس ضوابط و چارچوب باشد؛ البته در موارد خاص هنگام اجرای این ضوابط باید شرایط اجرایی را در نظر گرفت؛ این که عامل اجرای آن چه کسی با چه فکر و چه ابزاری باشد، چه قدر بودجه داشته باشد و در چه فضا و زمانی باشد، همه را باید در نظر گرفت تا برنامه اجرایی تهیه شود، ولی به قول عرب‌ها سیاست‌گذاری خطوط عریضه‌ای است که چارچوب‌های کلی را ترسیم می‌کند و برنامه‌ریزی‌های اجرایی در قالب آن خطوط عریض، طراحی و سپس اجرا می‌شود. این خطوط عریض را به چند بخش تقسیم می‌کنند، و گاهی به صورت کلی به آن سیاست‌گذاری می‌گویند.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی

سیاست‌گذاری با برنامه‌ریزی‌های اجرایی و عملیاتی خیلی تفاوت دارد؛ مسائل جزئی و شرایط زمانی و مکانی در آن دقیقاً رعایت نمی‌شود؛ زمان‌بندی خاصی ندارد، اما به وسیله آن، خطوط کلی برای قرار گرفتن فعالیت‌ها در مسیر خاص تعیین می‌شود و ترسیم این خطوط برای مجموعه‌ای از رفتارها باید در جهت تحقق آن هدف باشد، بنابراین مفروض است که هدفی در کار است که برای تحقق آن باید رفتارهایی انجام بگیرد. این رفتارها به قالب‌های کلی و برنامه‌ریزی‌های جزئی نیاز دارد؛ بنابراین سیاست‌گذاری، واسطه‌ای بین هدف و برنامه‌های اجرایی است. این مفهوم در همه عرصه‌ها از جمله عرصه‌های فرهنگی جاری است؛ از این‌رو سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین خطوط عریضی است که جامعه باید در عرصه فرهنگی آن را در نظر داشته باشد.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

فرهنگ

واژه دیگر فرهنگ است. درباره چیستی فرهنگ بحث‌های بسیاری به‌خصوص از طرف جامعه‌شناسان صورت گرفته است و حتی گاهی گفته می‌شود بیش از پانصد تعریف برای فرهنگ ارائه شده است. با این حال، می‌توان گفت فرهنگ به معنای ارزش‌های حاکم بر رفتار با ریشه‌های فکری و نمادهای عملی آن است. اگر پای ارزش در کار نباشد و صرفاً سخن از کارهای مکانیکی و خشک فیزیکی باشد این رفتارها از مقوله فرهنگ نخواهد بود. ارزش‌ها براساس سلسله باورهایی شکل می‌گیرد و به دنبال خود ویژگی‌هایی در رفتار ایجاد می‌کند و نمادهایی را به‌وجود می‌آورد. می‌توان مجموعه‌ای را که از باورها به‌عنوان ریشه شروع می‌شود، تنه آن را ارزش‌ها تشکیل می‌دهد و میوه‌اش رفتارهای ارزشی است فرهنگ بنامیم. این تعریف طبق اصطلاحی است که ما می‌پسندیم و ممکن است دیگران آن را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف کنند.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

بنابراین سیاست‌های فرهنگی خطوط کلی‌ای است که ویژگی‌ها و سمت و سوی رفتارهای فرهنگی را تعیین می‌کند. مفروض ما این است که هر جامعه‌ای بخواهد پیشرفت کند باید در جهت فرهنگی تلاش و سیاست‌گذاری کند، اما این کار چه ارتباطی با حوزه علمیه دارد؟ برای تبیین این ارتباط باید حوزه علمیه را هم تعریف کنیم.

حوزه علمیه

در تعریفی ساده حوزه علمیه را مجموعه فعالیت‌های علمی و فکری می‌دانیم که محور اصلی آن‌ها را دین تشکیل می‌دهد. گاهی حوزه علمیه را به گونه‌ای دیگر معنا می‌کنند. می‌گویند علوم قدیمه یا روش‌های قدیمی تعلیم و تربیت که از مکتب ملاجی شروع می‌شود و با مکتب‌خانه‌هایی که با چوب و فلک اداره می‌شود ادامه پیدا می‌کند و سپس با یک ریش و تسبیح و امثال آن خاتمه پیدا می‌کند! ولی ما این تعریف را نمی‌پسندیم. حوزه علمیه یعنی مجموعه فعالیت‌های علمی که

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

محور آن را دین تشکیل می‌دهد. تهیه ابزارهای مقدماتی برای شناخت، تبلیغ، ترویج، تبیین دین و دفاع از عقاید و باورها و ارزش‌های آن، کار مجموعه‌ای از نخبگان علمی است که حوزه علمیه را به وجود می‌آورند.

❖ ارتباط حوزه علمیه با سیاست‌گذاری فرهنگی

اکنون این سؤال پیش می‌آید که حوزه علمیه با سیاست‌گذاری فرهنگی چه ارتباطی دارد؟ همان‌طور که در سیاست‌گذاری اقتصادی، اقتصاددانان باید سیاست‌گذاری کنند و در سیاست‌گذاری نظامی، فرماندهان نظامی و افسران ارشد و کسانی که تجربه‌های نظامی دارند، طبعاً در سیاست‌گذاری فرهنگی نیز باید فرهنگیان سابقه‌دار و باتجربه سیاست‌گذاری کنند. پس حوزه علمیه در این جا چه کاره است؟! توضیح این رابطه به مقدمه دیگری نیاز دارد و آن این است که اگرچه هر جامعه‌ای عرصه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلفی دارد؛ همه جوامع، نهاد سیاسی حکومت، نهادهای اجتماعی خانواده و

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

ازدواج، نهاد تعلیم و تربیت و نهادهای اقتصادی دارند، اما نظر جوامع به این نهادها یکسان نیست و در این که کدام یک اهمیت بیشتری دارد، اختلاف دارند. بازگشت این اختلاف به اختلاف در دیدگاه‌های ایدئولوژیک، جهان‌بینی‌ها و بینش‌های کلی به زندگی انسانی است. بیش‌تر جوامع، مهم‌ترین نهاد را نهاد اقتصاد می‌دانند. در نگاه آن‌ها نهادهای دیگر، نهادهای درجه دوم یا مقدمه برای اقتصاد، یا ضمیمه‌ای اضطراری^۱ است، اما هیچ کدام از این کشورها درباره اقتصاد چنین نظری ندارند. اقتصاد را ضرورتی می‌دانند که نمی‌شود از آن چشم پوشید. اکثر جوامع در عمل، اهمیت اصلی را به اقتصاد می‌دهند و سایر چیزها را در خدمت اقتصاد می‌دانند، و اگر برای سایر نهادها نوعی اصالت قائل شوند در درجه دوم است؛ بنابراین اگر بگوییم هویت جوامع موجود دنیا هویتی اقتصادی است گزاف نگفته‌ایم. مطالعه‌ای سطحی در کشورهای دنیا خیلی ساده ما را به این نتیجه می‌رساند. ائتلاف‌هایی که بین کشورها یا اتحادیه‌ها

^۱ می‌گویند چون مردم می‌خواهند نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم و گرنه ضرورتی ندارند.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

تشکیل می‌شود؛ کشورها در هم ادغام می‌شوند یا کشورهای اروپایی، اتحادیه کشورهای اروپایی تشکیل می‌دهند و... محور همه در درجه اول مسأله اقتصاد و سپس مسأله نظامی است. ائتلاف‌های نظامی نیز برای حفظ منافع اقتصادی است و این‌که بتواند در برابر دشمنان، پیشرفت اقتصادی را تأمین و از ضررها جلوگیری کند. این‌که کشور ما تا چه اندازه این فکر را پذیرفته باید دیگران قضاوت کنند، اما می‌توانیم بگوییم که پیدایش انقلاب اسلامی ایران ایده دیگری را مطرح کرد و آن اهمیت بیشتر نهاد فرهنگی - آن هم فرهنگ خاص که همان فرهنگ اسلامی است نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر است. در واقع نظریه انقلاب اسلامی ایران بر این اصل مبتنی است که اصل همه فعالیت‌های انسانی، فرهنگ است؛ فرهنگ است که به جامعه انسانی از آن جهت که انسانند هویت می‌بخشد. امتیاز جوامع از یکدیگر به مرزهای جغرافیایی نیست. مرزها قراردادی است و نه عقل و نه هیچ دلیل دیگری بر آن دلالت نمی‌کند و عواملی مثل زور، قدرت، ارتباطات تجاری، اقتصادی،

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

اقلیمی و... باعث آن شده است، ولی هیچ کدام از این‌ها کلیت ندارد. برای مثال یکی از عواملی که در تعیین هویت جوامع مؤثر است زبان است، اما برخی از مهم‌ترین و معروف‌ترین کشورهای دنیا که از نظر تمدن، فرهنگ، علم، صنعت و تجارت از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا به شمار می‌آیند، چند زبانی یا چند ملیتی‌اند. بلژیکی‌ها مدت‌ها دولت نداشتند چون بر سر این‌که دولت باید از فرانسوی‌زبان‌ها تشکیل شود یا از آلمانی‌زبان‌ها، اختلاف داشتند. در آن‌جا اعلان‌ها، نشانه‌ها و تابلوها – چه تابلوهای دولتی و چه تابلوهای تجاری – غالباً به دو زبان فرانسوی و هلندی نوشته شده است. در سوئیس که یک کشور کوچک، چه از نظر وسعت و چه از نظر جمعیت، است و شاید به اندازه یکی از استان‌های معمولی ما باشد، سه زبان رسمی فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی وجود دارد؛ بنابراین زبان تعیین‌کننده هویت کشورها نیست و حتی اگر زبان کشوری تغییر کند ممکن است همان هویت را داشته باشد، اما اگر باورها و ارزش‌های ملتی تغییر کرد دیگر آن ملت پیشین نخواهد بود.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

از نظر اسلام، هویت هر جامعه با دینش تعیین می‌شود، یعنی هویت هر جامعه با عاملی فرهنگی و چیزی که با باورها و ارزش‌های انسان سر و کار دارد، تعیین می‌شود. طبعاً انقلابی که براساس اسلام به وجود آمده باید بیش از هر چیز به فرهنگ اهمیت بدهد؛ چیزی که باورها و ارزش‌های صحیح را در جامعه به وجود بیاورد، تثبیت کند و رونق بدهد. پس انقلاب و نظام اسلامی ما با سایر کشورهای دنیا، حتی با کشورهای اسلامی دیگر، این تفاوت را دارد که ما بر عنصر اسلام به عنوان یک عنصر فرهنگی تکیه می‌کنیم و این را اساس هویت خودمان می‌دانیم. خوشبختانه در دنیا نیز نظام ما را به عنوان حکومت ولایی، حکومت ولایت‌فقیه و حکومت اسلام می‌شناسند؛ البته دشمنان می‌گویند اسلام اصول‌گرا و این را به عنوان پسوندی با بار منفی تلقی می‌کنند.

❖ **دین‌شناسان؛ سیاست‌گذاران فرهنگی**

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

با توجه به این مقدمه و این نکته که در کشور ما به ویژه پس از پیروزی انقلاب و برپایی حکومت اسلامی، مسأله فرهنگ^۲ ویژگی خاصی پیدا کرده است، این سخن پیش می‌آید که سیاست‌گذاران فرهنگی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ فرهنگ به معنایی که امروز استعمال می‌شود شامل مقولات متعددی می‌شود. بخشی از آن آموزش و پرورش است. در گذشته اصلاً معنای فرهنگ، آموزش و پرورش بود و به اداره آموزش و پرورش، اداره فرهنگ می‌گفتند و معلمان و دبیران را فرهنگیان می‌نامیدند. سپس فرهنگ، تحولات بیشتری پیدا کرد و کم‌کم شامل خیلی چیزهایی شد که زمانی ضدفرهنگ شناخته می‌شد. به هر حال اگر فرهنگ به این معنایی که ما معتقدیم به عنوان مهم‌ترین اصل و ستون فقرات این نظام بلکه روح آن تلقی شد، سؤال می‌شود که سیاست‌گذاری در این عرصه، یعنی عرصه‌ای که روح انقلاب و روح جامعه ما را تشکیل می‌دهد بر عهده کیست؟ آیا آشنایان با مسائل آموزش و

^۲ چنانکه گفتیم، فرهنگ در اصطلاح ما به معنای آن چیزی است که با باورها و ارزش‌های مردم و سپس رفتارها و نمادهایی که از این ارزش‌ها ناشی می‌شود، سر و کار دارد.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

پرورش عمومی جهانی، آن‌هایی که روان‌شناسی تربیتی یا علوم تربیتی خوانده‌اند و سوابقی در آموزش و پرورش دارند باید سیاست‌های فرهنگی را ترسیم کنند؟! یا آن‌هایی که اهل هنر هستند؟! چه کسانی می‌توانند اهداف فعالیت‌های فرهنگی نظام اسلامی را تعیین کنند و به فعالیت‌ها جهت بدهند و خطوط کلی آن را ترسیم و چارچوب‌ها را مشخص کنند؟ آیا هنرمندان، نقاشان، خطاطان، مجسمه‌سازان و امثال این‌ها می‌توانند این کار را انجام دهند؟

اگر فرهنگ را اساس جامعه و روح انقلاب دانستیم طبعاً دین‌شناسان باید سیاست‌های فرهنگی ما را طراحی کنند. چون یک مصداق از فرهنگ ما، اسلام، باورها، ارزش‌ها، احکام، و سپس نمادها و شعارهای اسلامی است، بنابراین تعیین‌کنندگان این سیاست‌ها عالمان دینی خواهند بود و عالمان دینی هم در حوزه‌های علمیه پیدا می‌شوند. پس سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام اسلامی و با فرض این‌که فرهنگ اسلامی اساس این نظام است ارتباط منطقی با حوزه‌های علمیه پیدا خواهد کرد.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

دانشمندان حوزه‌های علمیه هستند که می‌توانند حقیقت باورها و ارزش‌های اسلام را بشناسند؛ البته در آن‌چه جنبه‌های اجرایی و ابزاری دارد باید از متخصصان دیگر استفاده برد؛ علوم مختلف تربیتی، رشته‌های مختلفی از روان‌شناسی، و علوم مدیریتی که ارتباط نزدیکی با مسائل روان‌شناسی دارند می‌توانند به عنوان ابزار اجرای برنامه‌های فرهنگی نقش داشته باشند، اما سیاست‌گذاری، تعیین خطوط کلی است که هنوز به عمل درنیامده تا دنبال ابزار بگردیم. هر وقت نوبت به برنامه‌های عملیاتی و اجرایی رسید باید برای اجرای آن برنامه‌ها از آن علوم هم استفاده کنیم؛ از متخصصان آن‌ها دعوت به همکاری کنیم تا از آن ابزارها هم استفاده شود، اما باید شرط اول و مهم‌ترین تخصص کسانی که تعیین‌کننده روح این فعالیت‌ها هستند و خطوط اصلی و کلی فرهنگ کشور را تعیین می‌کنند، علوم دینی باشد و جای علوم دینی حوزه‌های علمیه است.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

❖ آسیب‌شناسی حوزه در سیاست‌گذاری فرهنگی

گفتیم که حوزه علمیه مجموعه‌ای است که محور فعالیت‌های علمی‌اش را دین تشکیل می‌دهد، و گفتیم که نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی به چه معناست. هدف این بود که روشن کنیم در سیاست‌گذاری فرهنگی چه انتظاری از حوزه علمیه می‌رود. اکنون بحث می‌کنیم که عملاً حوزه علمیه در این دوران سی و چند ساله چه نقشی را ایفا کرده است و آیا این نقش را به طور کامل اجرا کرده یا کمبودهایی در آن هست؟ فکر نمی‌کنم کسی ادعا کند که حوزه علمیه در سی و چند سال بعد از انقلاب، نقش خود را در سیاست‌گذاری فرهنگی به طور کامل ایفا کرده است. حداقل ما چنین ادعایی نداریم. در این صورت باید آسیب‌شناسی کنیم و ببینیم چه مشکلی بوده که حوزه علمیه این نقش را درست ایفا نکرده است. انصاف این است که اول از خودمان شروع کنیم که آیا ما صلاحیت لازم برای ایفای این نقش را داشته‌ایم و آیا این صلاحیت را در خودمان ایجاد کرده‌ایم؟ موضوع را در قالب مثالی بیان می‌کنم.

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

شاید دیده باشید بعضی از دانشجویان علوم پزشکی بعد از یکی دو سال که به دانشکده طب می‌روند و کمی با امراض و داروها آشنا می‌شوند می‌خواهند برای همه چیز نسخه بدهند و به مصرف داروهای گوناگون سفارش کنند. احتمال بدهید که کمابیش در حوزه‌های علمیه هم چنین چیزهایی وجود داشته باشد. ما می‌خواهیم سیاست‌گذاری فرهنگی کنیم، اما وضع ما نسبت به آن‌چه باید باشد مثل دانشجوی سال دوم دانشکده پزشکی است نسبت به کسی که دکترای پزشکی دارد و تجربه عملی هم دارد. حقیقت این است که خود ما آمادگی کامل برای ایفای این نقش را نداشته‌ایم. در طول این سی سال حرکت‌های خوبی برای کسب این آمادگی‌ها شده است که نمونه‌اش همین مؤسسه است. اصلاً این مؤسسه برای همین به وجود آمده است؛ البته منحصر به این مؤسسه نیست و کسان دیگری هم زحمتهایی کشیده‌اند. این حرکت‌ها شروع شده است، اما آیا الان هم واقعا بعد از سی و چند سال در وضعی هستیم که بتوانیم به طور کامل و مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی انجام

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

بدهیم؟ فکر می‌کنم هنوز هم ضعف‌های زیادی داریم. در ابتدا این علت را گفتم تا انصاف را رعایت کرده باشیم و همه تقصیرها را به دیگران نسبت ندهیم، ولی حقیقت این است که بیشتر مشکلات از جوانب دیگری است. اگر تنها همین ضعف بود حل آن خیلی مشکل نبود. مشکلات دیگری هم وجود دارد که نمی‌گذارد حوزه علمیه بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند.

❖ تفکر سکولار

نهادهای یک کشور، جزیره‌های جداافتاده و ایزوله از سایر نهادها نیستند. همه نهادها و اقشار یک جامعه با هم روابط متقابل و تأثیر و تأثر دارند. این نهادها با هم رابطه ارگانیک دارند. در رابطه ارگانیک، چشم نمی‌تواند بدون قلب و اعصاب کار کند؛ باید دستگاه قلب به آن خون برساند و مغز و اعصاب آن را هدایت کنند. درست است که کار خود دستگاه چشم ربطی به دستگاه قلب و گوارش ندارد، اما این‌ها با هم ارتباط تنگاتنگ دارند. به بدنی که چشم آن سالم است ولی ارگان‌های

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

دیگر آن مریض هستند، بدن سالم نمی‌گویند؛ طبعاً مرض به چشم هم سرایت خواهد کرد و نمی‌تواند کارش را درست انجام بدهد. اگر نهادها و مؤسسات وابسته به آنها بخواهند کار خودشان را درست انجام بدهند باید نوعی هماهنگی، تأثیر و تأثر متقابل، همکاری، وحدت هدف و وحدت برنامه‌های کلی بین آنها وجود داشته باشد. اگر بین نهادها تعارض وجود داشته باشد و یکی نفی و دیگری اثبات کند، تلاش‌ها به جایی نخواهد رسید. متأسفانه این مسأله کمابیش در جامعه ما وجود داشته و هنوز هم کمابیش وجود دارد. امیدواریم که باز اوج نگیرد و اختلافات بیشتر نشود. وقتی روحانیت می‌تواند وظیفه خود را انجام بدهد و نقش خود را به خوبی درباره دانشگاه، کتب دانشگاهی، استادها، رساله‌هایی که در دانشگاه نوشته می‌شود و سمت و سوی حرکت علمی دانشگاهی ایفا بکند که آنها بخواهند با او همکاری کنند. اما اگر تفکر اصلی انقلاب در همه مسئولان رسوخ نکرده باشد و وجود حوزه علمیه را زاید بدانند چه باید کرد؟ اگر تفکر برخی از مسئولانی که نقش مؤثری در

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

کارهای کشور دارند سکولار باشد و بگویند اصلاً دین چه کاره است؛ دین امری شخصی است و هر کس می‌خواهد باید در مسجد دین‌داری کند؛ در حسینیه شب تا صبح سینه بزند؛ اما این امور کاری به حکومت ندارد. برخی باورشان نیست که باید دین در همه جا حضور داشته باشد و نقش اصلی را ایفا کند و همین طور نقشی که نماد دین یعنی مقام معظم رهبری دارند؛ نقشی را که می‌بایست ولایت‌فقیه در قدرت و اقتدار کشور داشته باشد باور نمی‌کنند. کسانی فکر کنند که اگر مسأله رهبر را از قانون اساسی حذف کنیم هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. می‌گویند مگر کشورهای دیگری که ولایت‌فقیه ندارند، مرده‌اند و نمی‌توانند زندگی و پیشرفت کنند؟! مگر آن‌ها نمی‌توانند اقتصادشان را اداره کنند؟ این یک چیز اضافی است! چون آخوندها نقشی در این انقلاب و اسقاط شاه داشتند سهمی هم برای این‌ها به اسم ولایت‌فقیه در نظر گرفته شده وگرنه این‌ها کارهای نیستند. اصلاً وجودشان زائد است؛ این‌ها سربار و مزاحم‌اند! با چیزهایی مثل احداث ساختمان مدارس و اختصاص

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی

فلان بودجه دهانشان را ببندید، ولی این‌ها کارهای نیستند. همان چیزی که در آغاز انقلاب، ملی‌گراها نسبت به امام و روحانیت می‌گفتند. من با گوش‌های خودم از برخی مسئولانی که کارهای خیلی بزرگی هم در کشور کردند، شنیدم که می‌گفتند ما امام را برای این می‌خواستیم که شاه را بیرون کنیم، اما ایدئولوگ ما فلان کس است. ما با افکار امام کاری نداریم. امام قدرتی داشت که می‌توانست مردم را تحریک کند و به خیابان‌ها بکشانند. ما می‌خواستیم شاه را بیرون کند. حالا بیرون کرد و تمام شد؛ نقش امام سرآمد. الان ما متخصصان باید بیاییم و مملکت را اداره کنیم. اگر یادتان باشد در دوران ریاست‌جمهوری اول بحث داغ کشور این بود که آیا ما باید به تخصص اهمیت بدهیم یا تعهد؟ لیبرال‌ها و ملی‌گراها که همان ضدآخوندها بودند فقط روی مسأله تخصص تکیه می‌کردند. می‌گفتند اکنون باید با امام بسازیم، آدم محترمی است و زحمت کشیده است. چند سال دیگر زنده است و تمام می‌شود و می‌رود. این تفکر کمابیش در میان نسل‌های بعد هم وجود

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

دارد. بعضی گستاخ‌اند و صریح می‌گویند، اما بعضی دیگر منافقانه رفتار می‌کنند؛ می‌گویند ما تابع ولایت‌فقیه هستیم، اما واقعا باورشان نیست و هرچه بتوانند - هر جا برخلاف نظر و منافع‌شان باشد - مخالفت می‌کنند.

❖ تلاش دشمنان خارجی

این مسأله به‌وسیله دشمنان بسیار نیرومند خارجی هم تقویت می‌شد. دشمنان خارجی که از روز اول نتوانستند در برابر این انقلاب مقاومت کنند و شاه را نگه دارند، برای نابودی هر چه زودتر این نظام نقشه کشیدند، و بهترین راه هم این بود که آن را از درون متلاشی کنند. برای این کار طراحی‌هایی کردند. از جمله سیاست‌های کلی آشکارشان این بود که کسانی را پیدا کنند که با تفکر ولایت‌فقیه و نظام اسلامی موافق نباشند. اندک اندک کار کردند تا در سال ۸۸ خیال کردند زمانش رسیده است، اما فکر نکنید که فقط همان سران فتنه بودند که این

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی

گرایش را داشتند. بسیاری دیگر نیز همان گرایش‌ها را با شدت و ضعف دارند.

بنابراین عوامل به سه دسته تقسیم شد؛ عامل خارجی که پشتیبان آن، تفکر سکولاریسم است؛ عوامل داخلی که ولایت‌فقیه را با جان و دل نپذیرفته‌اند و آن را زیادی می‌دانند؛ و بالاخره کمبودهای علمی و بینشی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی که در جامعه روحانیت وجود دارد.

❖ وظیفه حوزه علمیه

آن‌چه مستقیماً به ما مربوط است این است که در اصلاح این

سه کمبود تلاش کنیم؛ برای این هدف بسیار بلند معلومات

کافی کسب کنیم؛ بینش اجتماعی و سیاسی‌مان را بالا ببریم و

به فرمایش مقام معظم رهبری ایده‌الله‌تعالی بر بصیرتمان

بیافزاییم و به رشد اخلاقی پردازیم. بنابراین نقش ما وقتی به

خوبی اجرا می‌شود که ابتدا خودمان را برای این کار آماده کنیم

و در این سه بعد تقویت بشویم و سپس بدانیم که مشکلات از

نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی

کجاست و در حد توان و با فعالیت‌های متناسب به تدریج آن‌ها را برطرف کنیم.

وفقنا الله وایاکم ان شاء الله

پایگاه اطلاع رسانی علامه مصباح یزدی

- ❖ <http://www.mesbahyazdi.ir>
- ❖ [@mesbahyazdi_ir](https://www.instagram.com/mesbahyazdi_ir)